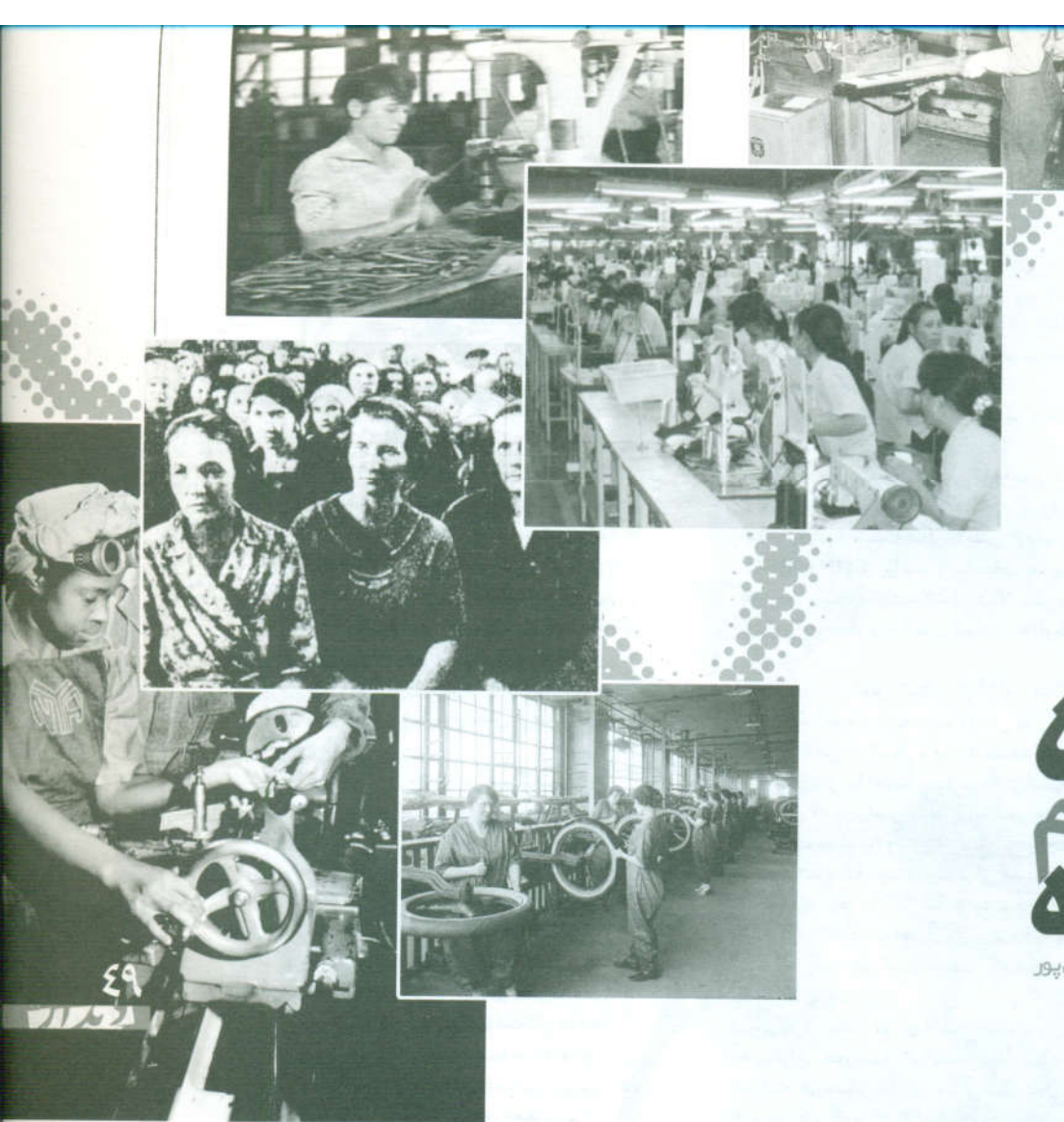




از ریاست خانه به استخدام کارخانه

زهره حاجی پور

خوب می‌دانستند که او قدرتمندترین آفریده خداست. هر چند جثه‌اش نحیف است ولی از نظر عاطفی و قدرت تأثیرگذاری نیرویی شگرف دارد. با پندار عده‌ای که او را عنصری ضعیف و خدمتکار می‌دانستند بسیار مخالف بودند. از نظر آنها زن جواهری بود متعلق به خودش نه موجودی ضعیف متعلق به مرد! گفته دکارت جزئی از ایمانشان بود جمله‌ای که می‌گفت قدرت یک زن زیبا از یک قشون فاتح بیش‌تر است. به همین سبب با تأکید فراوان بر ویژگی‌های ارزشمند اما ظاهری زن کوشیدند تا ارزش‌های واقعی و آسمانی او فراموش شود، و این شاهراه استثمار زن بود. استفاده از مواهب خدادادی زن یعنی چهره زیبا و دل‌مهربان او برای فزونی سرمایه!

روان‌شناسان صنعتی نظام سرمایه‌داری در پوشش کنگره‌ها و گفت‌وگوهای علمی، فریاد آزادی زن سردادند و بعد از آن بود که سیل نیروی کار ارزان به‌سوی کارخانه‌ها سرازیر شد. البته هر زنی برای به خدمت گرفتن مناسب نبود. زنانی که به علت نیاز اقتصادی انگیزه بیش‌تری برای کار داشتند برای استخدام در اولویت قرار گرفتند.^۱ مارکس، بنیانگذار مکتب کمونیسم در کتابش به نقل از یک کارخانه‌دار بزرگ می‌نویسد:

من برای کارخانه بافندگی‌ام فقط زنان را استخدام می‌کنم؛ البته تنها زنان شوهردار، اما نه هر زن شوهرداری، بلکه زنی را به خدمت می‌گیرم که اقتصاد و معاش‌خانه به او وابسته است. این دسته از زنان به کار بیرون خانه، نیاز بیش‌تری دارند. پس مجبورند تمام نیروی خود را در کارخانه به کار گیرند تا بتوانند درآمد بیش‌تری را برای تأمین وسایل ضروری زندگی به‌دست آورند. به‌علاوه آنان به سبب داشتن فرزند و شوهر عواطف بیش‌تری دارند و این به نفع من و کارخانه من است عواطف زن وادارش می‌کند تا برای سیر کردن شکم فرزندان در کارخانه تلاش بیش‌تری کند.^۲

کارخانه‌داران و صاحبان سرمایه می‌دانستند که چون قدرت اعتراض زن کمتر از مرد است، پس به مزد کم قانع می‌شود و شورش و اعتصاب نمی‌کند! امروز در ایالات متحده آمریکا حقوق سالیانه یک زن شاغل تمام وقت سه‌پنجم حقوق یک مرد شاغل با همان شرایط است. در ژاپن نیز متوسط حقوق دریافتی زنان، نصف حقوق دریافتی مردان در همان بخش است.

زنان پنجاه درصد جمعیت بالغ جهان و یک‌سوم نیروی کار رسمی دنیا را تشکیل می‌دهند اما با این‌که نزدیک به دوسوم ساعات کار به دوش آنهاست، تنها یک‌دهم درآمد جهان را دریافت می‌کنند و کمتر از یک‌درصد دارایی‌های جهان به آنها تعلق دارد.^۳

در این‌که زن جذاب‌تر و تأثیرگذارتر از مرد است شکی نیست، به همین دلیل کارهایی چون فروشنده‌های بزرگ به او سپرده می‌شود تا در جلب مشتری موفق‌تر عمل کند و درآمد افزون‌تری برای صاحبان سرمایه کسب کند.

شعار اشتغال زنان به منظور معطل نمودن نیروی آنان همواره از حنجره مردان بیرون آمده آیا طرح چنین تئوری‌هایی، امضای رسمی این معاهده اجتماعی نیست که:

مرد بر زن حق حیات بیش‌تری دارد؟

منابع

۱. لذات فلسفه، ویل دورانت، فصل نهم.
۲. زن در جست‌وجوی رهایی، ورنر تونسن، ترجمه شهلا لاهیجی.
۳. مجله زن روز مورخ ۸۵/۵/۱۳ و مجله پیام یونسکو شماره ۱۵۳.